

سلام کودکانه

نقاشی سیاه و سفید

سلام. دیشب من و داداش پویا به ستاره‌های آسمون نگاه می‌کردیم. تصمیم گرفتیم اونا رو بشماریم. وای خیلی زیاد بودن. وقتی کنار هم قرار می‌گرفتن و با دقت به اونا نگاه می‌کردیم، می‌تونستیم شکل‌های مختلف مثل خرس رو تو آسمون ببینیم. تازه ماه هم تو آسمون بود. خدا خیلی مهربونه که آسمون به این قشنگی رو آفریده تا از دیدنش لذت ببریم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم یک نقاشی سیاه و سفید بتونه تا این اندازه قشنگ و دیدنی باشه. خدایا ممنون.



ارسال نقاشی، قصه،
خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۱۴۳۹۱۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

یک فیلم خوب

تپلی و من

داستان فیلم درباره رامینه. رامین چند روز دیگه چهل ساله میشه اما هنوز به هیچ کدوم از آرزوهای دوران کودکش نرسیده. آرزوش این بوده که نویسنده و فیلم‌ساز موفقی بشه. رامین دوست نداره از زمان کودکش چیزی یادش بیاد تا این که پسر بچه‌ای به نام تپلی وارد زندگیش می‌شه. تپلی در حقیقت هشت سالگی خودرامینه. رامین اول فکر می‌کنه تنها کسی که تپلی رو می‌بینه خودشه اما بعد می‌فهمه که بقیه هم تپلی رو می‌بینن. تپلی و رامین تصمیم می‌گیرن به کودکی رامین برگردن و آینده‌شون رو تغییر بدن، چون از آینده تپلی که رامینه راضی نیستن. اونا با هم اتفاقات تلخ و شیرینی رو تجربه می‌کنن. این فیلم همون قدر که برای بچه‌ها جالب و جذابه برای بزرگ‌ترها هم آموزنده‌ست. از امان و باباتون خواهش کنین اگه براشون امکان داره این آخر هفته با هم برین و این فیلم قشنگ رو تماشا کنین.



قصه تصویری

کتاب قصه‌ای که پاره شد!

مینا یک کتابخانه داشت. بیشتر وقت‌ها، برای مینو کتاب می‌خواند. مینو، خواهر کوچک‌تر مینا بود که سواد نداشت. یک روز وقتی مینا مدرسه بود...



فرقه

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها
روزهای زوج
«زندگی سلام»

شعر

عیدی

همسایه ما سید است
یک پیرمرد با صفاست
شش هفت سالی می‌شود
در این محل، نزدیک ماست

هر سال در عید غدیر
در خانه‌اش مهمانی است
با آن کلاه سبزرنگ
تسبیح می‌گیرد به دست

او می‌نشیند پیش ما
آرام و شیک و خنده‌رو
به به! چه کیفی می‌دهد
هر سال عیدی‌های او

شاعر: زهرادآوری

جهانگرد

زمین چقدر قشنگه
کاشکی بودم جهانگرد
از استوا می‌رفتم
تا قطبای یخ و سرد

کویر و کوه و جنگل
آتش‌فشان و دریا
می‌رفتم و می‌گشتم
سر می‌زدم به هر جا

گاهی پای پیاده
گاهی شنا می‌کردم
هر چیزی رو می‌دیدم
یاد خدا می‌کردم

شاعر: عفت زینلی

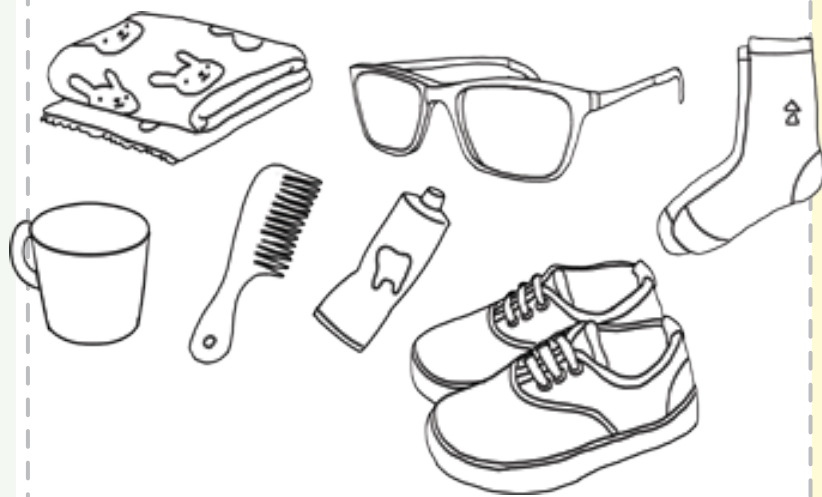
معرفی شغل

آقا پلیسه

شبا که ما می‌خوابیم
آقا پلیسه بیداره

من اگه پلیس بودم باید آدم‌های بد
مثل دزدها رو می‌گرفتم و تحویل
قانون می‌دادم تا بیفتن توی
زندون.
این جوری مردم و بچه‌ها امنیت
و آرامش داشتن. اگه کوچولویی
تو خیابون گم بشه باید بره پیش
اولین پلیسی که می‌بینه.
اگه پلیس بودم و اتفاق بدی می‌افتاد
فقط کافی بود با **۱۱۰** تماس بگیرم تا
به کمکتون پیام.
کار پلیس کمک کردن به آدم‌هاست و منم
دلم می‌خواد یک پلیس قوی و شجاع
باشم.

مرجان ساعدی



سرگرمی

بگرد و پیدا کن

از بین وسایل زیر کدومشون از وسایل شخصی نیست؟ دورش
خط بکشین. تصویر رو به سلیقه خودتون رنگ آمیزی کنین.

